



مروری کوتاه بر تازه‌های شعر جهان

پلی که قلب‌ها را به هم پیوند می‌دهد

محبی‌الانتشارات «مروارید»، در روزهای اخیر برای علاقه‌مندان به شعر جهان، رهاوردهای چشمگیری داشت و مجموعه‌های متعددی از شاعران مختلف با خاستگاه‌های متنوع به چاپ رساند. «چهل و چهار چکامه سرکش از شاعران جهان»، «شعر معاصر ژاپن»، و «شرح حال باد» سه عنوان از این آثار هستند. در ادامه، مروری کوتاه بر این سه اثر داشته‌ایم.

۱. «چهل و چهار چکامه سرکش از شاعران جهان» شعر: نیش و نوش



کتاب کم حجم و جمع‌وجور «چهل و چهار چکامه سرکش از شاعران جهان»، که گردآوری و ترجمه کامک ارزنگی است، دست روی طیف مختلفی از شعرهای شاعران انگلیسی‌زبان گذاشته است. اشعاری که شاید بتوان درون‌مایه آزادی‌خواهی و ستم‌ستیزی را و جه مشترک همه آن‌ها دانست. مترجم، در بخشی از مقدمه‌ای که بر این مجموعه نوشته است، پس از یادآوری اینکه همه تلاشش را برای وفاداری به

متن اصلی به‌کارگرفته، درباره مضمون اشعارانتخابی خودمی‌گوید: «مردم جای جای جهان، درطول تاریخ، از شعر برای مبارزه در راه آزادی و عدالت سود جست‌ه‌اند. شعر، نه تنها برای نفرین و نکوهش بیدادگران و ستمکاران، و بازنمود و یادآوری تلاش‌ها و فداکاری‌ها و رنج‌ها و بیم و امید و سوگ و سرور انسان‌ها در این بیکار و تکایو به‌کار رفته، بلکه در برانگیختن مردم و دادن جسارت و شهامت و تاب و توان مبارزه به آنان هم نقش بسزایی داشته است. شعر گاهی نبردافزاری بوده برنده‌تر و سوزاننده‌تر از آه‌ن و آتش، بانگی توان بخش‌تر و بسیجنده‌تر از خطبه و خطابه بلندگو به‌دستان، و

مرهمی التیام‌بخش‌تر از نوازش مادر و نوشدارو».

در یکی از اشعار مندرج در این کتاب، اثر مایا آنجلو، می‌خوانیم: «از زاغه‌های تنگ تاریخ ستم/ من باز برمی‌خیزم/ از دردهای ریشه‌دار مردم/ من باز برمی‌خیزم/ سیاه‌اقیانوسی‌ام، موج‌وپهن/ گاهی فرا و گاهی فرو درمی‌شکم، توفنده‌لحن/ آری، برمی‌خیزم.» این کتاب در ۱۴۵ صفحه با قیمت ۱۵۰ هزار تومان منتشر شده‌است.

۲. «شعر معاصر ژاپن»

دوره تجدد و شیوه‌های نو

قلمرو دومین کتاب سرزمین ژاپن است، سرزمینی که به‌نظر در حوزه شعر، بیشتر، با هایکوهایش شناخته شده است. اما «شعر معاصر ژاپن»، چنان‌که از عنوانش نیز برمی‌آید، دست روی اشعاری گذاشته است که به مختصری هایکو نیستند و شاید بتوان گفت به‌همین دلیل تاحدودی مهجور مانده‌اند. در بخشی از صفحات آغازین این کتاب، که گردآوری و ترجمه هاشم رجب‌زاده است، درباره تاریخ شعر در کشور ژاپن

می‌خوانیم: «با روی کار آمدن مِجی، امپراتور ژاپن، در سال‌های ۱۸۶۷ تا ۱۹۱۲، که عصر او دوره تجدد ژاپن نام گرفته است، شیوه‌ها و اندیشه‌های باخترزمین در زمینه‌های تجربی و نظری به‌دقت آزموده شد. درمیان کتاب‌هایی که در این دوره ترجمه شده، گردآورده‌هایی است سروده‌های شاعران اروپا و آمریکا، و این سرازآغاز جریان تازه‌ای شد،مسوبارویدادهایی که هم‌زمان در غرب می‌گذشت. شیوه‌های نو شاعری در ژاپن-چنان‌که در باخترزمین- بازنمایی بود دربرابر خمودگی شعر قدیم ژاپن که در چارچوب‌های قراردادی بسته مانده بود.»

یکی از اشعار منتشرشده در این اثر از قرار زیر است:

«از همان روز که چشم به جهان گشودم/ فقط یک چیز یاد گرفتم،/ پُل ساختن در جهان، تـامی‌توانم، و هرچه بیشتر بهتر/ در روشنایی صبح/ پلی بر فاصله کوتاه میان دو ساختمان می‌زنم/ پلی می‌سازم که قلب‌ها را به هم پیوند دهد،/ قلب مردمی را که بی‌هدف شتابان از کنار هم می‌گذرند،/ اما دست هیچ‌یک از آن‌ها نمی‌تواند فاصله قلب‌ها را/ که از هم پریده‌اند پُر کند.»

این کتاب در ۲۵۶ صفحه و با قیمت ۲۶۰ هزار تومان به بازار عرضه شده است.

۳. «شرح حال باد»

ذهنیت و عینیت در هم تنیده شده یک شاعر

یکی دیگر از تازه‌های نشر «مروارید» در حوزه شعر جهان «شرح حال باد» نام دارد. مجموعه‌ای از سروده‌های شاعر شهره سوری، آدونیس، که در کنار دیگرانی چون نزار قبانی و محمود درویش و غاده‌السمعان از اثرگذارترین شاعران جهان عرب محسوب می‌شود، صالح بوعذار، شاعر خرمشهری، مترجم این اثر است که برگردان بسیاری دیگر از اشعار شاعران عرب‌زبان، از جمله سروده‌هایی دیگر از آدونیس، را در

کالنامه خود دارد. او، در گفت‌ووبی که چندی پیش با «خبرگزاری شعروترانه ایران» تـارـنا، داشت، گفت: «در سال‌های اخیر برآدونیس، وی را در زبان و بیانی که درخور شکوه شعر وی است ترجمه‌کنم، چراکه ذهن و عین، در شعر آدونیس، در بافت و ساختار شگرفی درهم‌تنیده شده‌اند و نمی‌توان آن‌ها را[تفکیک کرد. براین اساس، اگر مترجمی به ظرافت‌ها و ظریفی‌های شعری آدونیس التفات ویژه‌ای نکند، نمی‌تواند در برگردان شعری وی کامیاب شود. با زبان تغزلی معهود نمی‌توان ترجمه شایسته‌ای از شعر آدونیس داشت، زیرا عنصر زبانی شعر آدونیس بسیار فاخر و پر بسته است.»

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم:

«چیسـت کهن سالی؟/ نهالی است بالنده در دوسوی،/ سپیده‌دمان کودکی و/ شبانگاهان مرگ /.../ آن نور که روشنی می‌بخشدم/ هنوز در عهد کودکی است.»

این کتاب در ۱۸۴ صفحه با قیمت ۱۹۰ هزار تومان منتشر شده‌است.

شهریار



فرهنگ و ادبیات

«دارالفنون»، که امروز ۱۷۸ سال از تأسیس آن می‌گذرد، به علوم انسانی التفاتی نداشت

جایی برای ادبیاتی‌ها نیست

بی‌توجهی دولت ایران به آن‌ها موجب عقب ماندگی کشورشده‌بود. به‌نظر می‌رسد که بنیان‌گذار «دارالفنون» در برنامه توسعه و پیشرفت هیچ جایی برای ادبیات ن‌اگرچه ادبیات عظیم فارسی باشد- نمی‌دیده است. لابد به این دلیل که هیچ دردِی از مادوانمی‌کرده‌است. رویکرد امیر به ادبیات و شعر را از داستان معروف مواجهه او با قآانی شیرازی، قصیده‌پرداز نامی وقت، به خوبی می‌توان دانست؛ وقتی شاعر، به اقتضای شغل خود، شعری در مدح وزیر می‌سراید، امیرکبیر خشمگین می‌شود و حقوق قآانی را قطع می‌کند، و چون وساطت شاعر را می‌کنند، بر فرانسه دانی او واقف می‌شود و به ترجمه اش مأمور می‌سازد، آن‌هم در زمینه کشاورزی!

● ادبیات بالاخره آمد، اما چه آمدنی؟!

باری، «دارالفنون» بی‌حق یا ناحق- رفته رفته جایگاه خودش را از دست داد و به سطح نازلی سقوط کرد. این نزول در آستانه آغاز دوران پهلوی به منتهادرجه خود رسید- زمین‌خوردن «دارالفنون» هماناوسرزدن ادبیات در زمین پایران همان ابرای اینکه این پیوندوهم‌زمانی را درک کنید، می‌توانید وضعیت و موقعیت کنونی علوم انسانی و دانش‌مُختگان آن را در نظر بیاورید؛ دست‌کم از نگاه ناظر بیرونی، این شاخه از علوم چه اهمیتی دارد و چه‌کسانی به آن روی می‌آورند؟ «باانتزاع بخش‌های پزشکی و نظام، موقعیت 'دارالفنون' به حد دبیرستانی ساده تنزل یافت و نام آن نیز به 'امیرکبیر' تغییر کرد، اما، پس از چندی، بار دیگر نام 'دارالفنون' به آن اطلاق گردید! [...] اد ۱۲۹۲ هجری شمسی، تحصیل در 'دارالفنون'، که 'مدرسه متوسطه' ای محسوب می‌شد، به دو دوره تقسیم گردید. در دوره دوم، دو شعبه ادبی و علمی از هم جدا شدند. دانش‌آموزان با معدل بالا در شعبه علمی، و مابقی که استعداد چندانی نداشتند در شعبه ادبی جای‌گرفتند. این امر سبب شد تا سال‌ها به شعبه ادبی به دیده حقارت بنگرند.^[۱] بله، پایه‌گذاران دانشگاه‌م‌لد رست‌ی‌اناد رست‌به ادبیات و علوم انسانی توجه نشان ندادند- و این چندان عجیب نیست؛ آنچه عجیب است این است که متولیان امروزی دانشگاه نیز چنان‌اند.

[۱] «پیش‌درآمدی بر نظریه ادبی»، ترجمه عباس مخبر

[۲] م‌دخل «دارالفنون»، در «دایرةالمعارف بزرگ اسلامی».

[۳] م‌دخل «دارالفنون»، در «دانشنامه جهان اسلام».

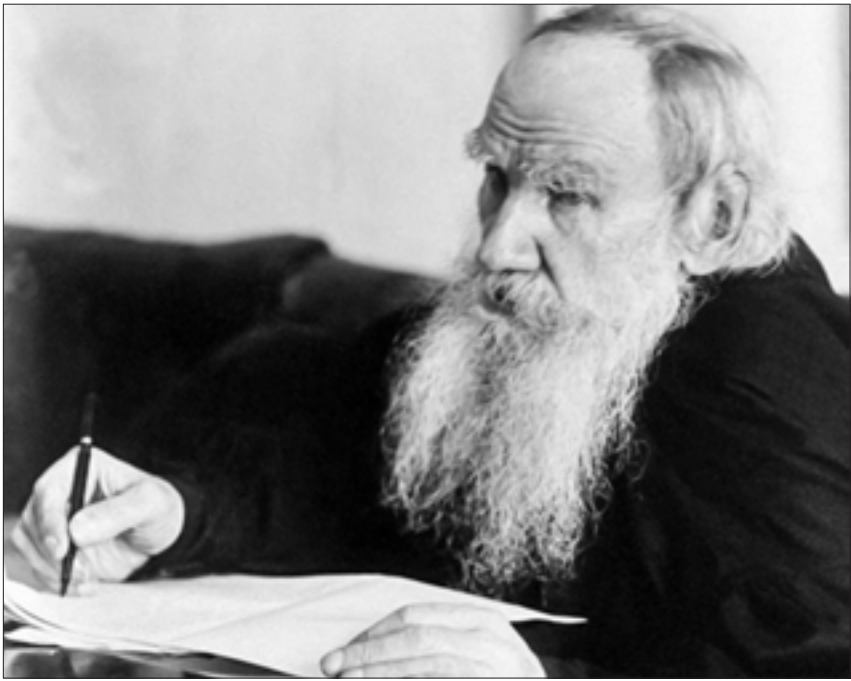


بخش «رسانه»، «شعر کودک»، «داستان کوتاه»، «نِیستر و عکس»، «نمایش»، و «کودک و نوجوان» در دانشگاه «شمال»، شهرستان آمل برگزار شد.

در پایان این مراسم از برترین‌های بخش‌های مختلف تقدیر شد که در بخش «گزارش»، «محبوبه فرامرزی از مشهد، عبدالرضا عزیز کمالی از آمل، و فائزه قره‌پور از تبریز به مقام‌های اول تا سوم دست‌یافتند.

مروری بر برخی آموزه‌های خالق «جنگ و صلح» و «آنا کارنینا»

پنج درس فلسفی از تالستوی



مردم را دور هم جمع می‌کند. هنر جهانی و همگانی افراد مختلف را یک احساس مشترک و بنیادی متحد می‌کند. جذابی را از بین می‌برد و مردم را برای یگانگی در نهایت خانواده‌هایشان را رها می‌کنند و به آن‌ها صدمه می‌زنند، اما عاقبت متوجه می‌شوند که به دلیل یک انتظار غیرواقعی از زندگی به خود آسیب رسانده‌اند.

همان‌طور که بزرگ می‌شویم، چیزهایی مانند دانش، خرد، مهارت و حمایت عاطفی و مالی از دیگران دریافت می‌کنیم، از والدین، معلمان، دوستان و غریبه‌ها. امروز، بیشتر ما به گرفتن از دیگران عادت کرده‌ایم؛ در نتیجه، در نهایت از معنای واقعی می‌شویم. [...] تغییر دیدگاه از آنچه می‌توانیم به دست آوریم به آنچه می‌توانیم ارائه دهیم برای ما معنای عمیق‌تری به‌ارمغان می‌آورد. تالستوی، در دوران پیری، زمان خود را صرف بذل ثروت خویش و ساختن مدارس برای دهقانان کرد و معتقد بود که آموزش بهترین هدیه‌ای است که می‌توانید به هر انسانی بدهید.

● ۳. هنر به اندازه علم مهم است

تالستوی عمر خود را صرف نوشتن، داستان‌سرایی و تدریس علوم انسانی کرد. در نظر او، هنر درمان است. او، در مقاله‌اش ذیل عنوان «هنر چیست؟»، استدلال می‌کند که هنر از ما موجوداتی‌مهربان‌تر می‌سازد و

خود را به چنین مدرسی تجهیز کند. توجیه اصلی او برای قانع‌کردن پادشاه وقت این بود که بدین ترتیب دیگر اعزام‌م‌حصل به اروپا لازم نخواهد بود. [این فرایند که دهه‌ها پیش از آن، در زمان عباس میرزا، پدربزرگ شاه، و به ابتکار قائم‌مقام آغاز شده بود، هزینه هنگفتی داشت که از همان آغاز بر حکومت گران می‌آمد، به‌ویژه از آن روی که کشور درگیر جنگ با روسیه بود.] وزیر در سازمان دهی این مدرسه و تدوین برنامه درسی آن بوده است و نه اساساً از علوم انسانی. نظر امیرکبیر به بعضی علوم که در این دولت متداول نیست، بود که روشن است منظور از آن‌ها علوم تجربی و نظامی و ریاضی بوده است، همان علومی که به‌زعم وزیر- می‌آموختند.

هفتمین جشنواره ملی فرهنگی-هنری «اشکواره حسینی»، با معرفی برگزیدگان

در آمل، به کار خود پایان داد. در این جشنواره، محبوبه فرامرزی، خبرنگار روزنامه شهرآرا، با اثر «بی‌بی محله ایثارگران مادر رئیس‌جمهور بود»، موفق به دریافت مقام اول گزارش شد.

اختتامیه این جشنواره ملی، با حضور مشاور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد کشور و همچنین مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی مازندران، با معرفی برگزیدگان برتر در شش

● در «دارالفنون»، از قرن ادب خبری نبود

جالب و قدری عجیب- است که نخستین دانشگاه امروزی ایران هم، در آغاز، رشته ادبیات فارسی نداشت‌ه است. اگرچه به دلایلی دیگر، درست ۱۷۸ سال پیش از این، در ۵ ربیع‌الاول ۱۲۶۸ هجری قمری، «دارالفنون» آغاز به‌کار کرد. امیرکبیر وزیردانی ناصرالدین شاه، عامل اصلی شکل‌گیری این نهاد آموزشی بود (که در آغاز به «مدرسه جدید» و «مدرسه نظامیه» و «مکتب خانه پادشاهی» نام‌بردار شد)، او، که در سفر به روسیه و عثمانی، قدرت‌های بزرگ عصر، با مدارس فنی و صنعتی و نظامی این کشورها آشنا شده بود، پس از بازگشت به ایران و عهده‌دار شدن امور، عزمش را جزم کرد که کشور



درخشش خبرنگار شهرآرا در هفتمین جشنواره ملی «اشکواره حسینی»



بیشتر مردم او را به عنوان نویسنده شاهکارهایی مانند «جنگ و صلح»، و «آنا کارنینا» می‌شناسند و تعداد کمی از هویت فلسفی و مسیر او

به عنوان یک فیلسوف معنوی آگاه هستند. تالستوی، علی‌رغم اینکه اشراف‌زاده‌ای ثروتمند بود، در افسردگی عمیقی فرو رفت که در از دست دادن ایمان ریشه داشت. او دست به خودکشی زد و در جست و جوی معنا بود. سفری که آن را در کتابش ذیل عنوان «اعتراف»، شرح داده است. آن کتاب مرا، نه تنها عاشق نوشته‌های او، بلکه شیفته روح او، موصی ناب از انسانیت، کرد. آن‌گاه‌که به دنبال پناه‌بردن به این مرد برجسته و راهنمایی‌گرفتن از او بودم، برخی از آموزه‌های او را فرا گرفتم و پذیرفتم، حال، اینجا، می‌خواهم پنج درس مهمی را که از او آموختم،ام به اشتراک بگذارم.

● ۱. جامعه اصل بهشت و جهنم زندگی فرد است

دیگران منشأ بدبختی‌اند، اما عامل بنیادی‌ترین شادی ما نیز هستند. تالستوی در زمان هایش سعی می‌کرد جایگاه یک فرد را، در جامعه و در میان گروه‌هایی که در آن‌هاست، یعنی خانواده، شهر، ملت، بورژوازی یا دهقانان درک کند. همه ما ممکن است با مردم اطرافمان، فرهنگی که ایشان تجسم آن باشند مبارزه کنیم. مهم نیست که چقدر قدرتمندیم، مادر، معرض رویداد‌های اجتماعی‌ای هستیم که خارج از کنترل ما هستند. اطرافیان ما همیشه بر زندگی عاطفی ما سلطه داشته‌اند و خواهند داشت. به‌گفته تالستوی، جامعه از افراد تشکیل شده است، همان‌طور که بدن انسان از سلول‌ها، به عبارت دیگر، هر فردی در رویداد‌های تاریخی بشریت سهم است، چنان‌که یک قطره به حجم آب اقیانوس اضافه می‌کند. هر سرباز بر جنگ تأثیر می‌گذارد. [...] این بدان معناست که هر یک از ما مسئول درد و لذت برآمده از جامعه هستیم و می‌توانیم بر آن تأثیر بگذاریم، خوب یا بد. اطرافیان شما می‌توانند در یک موقعیت غم‌انگیز تسکین بخش باشند یا یک موقعیت شاد را به میزان قابل‌توجهی بهتر کنند. هر یک از ما، در قبال خوبی‌های دنیا، در برابر خود و در برابر دیگران مسئولیت دارد.

● ۲. هدف بخشیدن به دیگران است

فلسفه تالستوی نشان می‌دهد که بزرگ‌ترین لذت از شادکردن دیگران حاصل می‌شود، نه خودناتن.